

کتیبه بیستون

دیودور سیسیل، مورخ یونانی نخستین کسی بود که در کتاب خود نام بیستون را به صورت بغستان Bogistanon آورده است که شکل تغییر یافته واژه کهن ایرانی بغ - ستانا یعنی «جایگاه خدایان» است. احتمالاً واژه بهیستان یا بهیستون در نتیجه کاربرد عامیانه مردم به واژه بیستون یعنی مکانی که در آن ستون وجود ندارد، تغییر یافته است. این اثر تاریخی که در چند کیلومتری شرق کرمانشاه قرار دارد، یکی از آثار ممتاز خاورمیانه به شمار می رود که از حدود دو هزار سال پیش تاکنون در پیش چشمان مسافران جاده شوش - اکباتان شکوه و عظمت خود را به رخ کشیده است. این اثر شامل یک نقش برجسته و یک کتیبه هخامنشی است که متن کتیبه آن طولانی ترین کتیبه هخامنشی به شمار می آید. تمامی اثر بر روی صفحه ای سنگی به ارتفاع ۳ متر و عرض ۵ الی ۶ متر خلق شده است که به نظر می رسد سطح دیواره صرفاً برای همین منظور مسطح گردیده است. از میان افراد مختلفی که نقش آنها بر روی سنگ دیواره حک شده است، تصویر داریوش با هیكل بزرگش متمایز تر از دیگران است. وی در دست چپ خود کمان پادشاهی یعنی نماد قدرت شاهنشاهی را بدست گرفته است و دست راست خود به علامت سلام و دورود به سوی اهورامزدا بالا آورده است که او نیز به همان صورت سلام

داریوش را پاسخ می دهد. تندیس و تصویر خدایی بر فراز نقش سایر افراد سایه گسترانیده است. اهورامزدا، در حالی که تاج کیانی خدایان را بر سر نهاده است از درون حلقه ای بالدار بیرون می آید و با دست چپ خود حلقه قدرت شاهنشاهی را به داریوش عطا می کند. در پشت سر داریوش دو نفر از اشراف هخامنشی که هر یک نشانه های شاهنشاهی هخامنشی را با خود همراه دارند: نیزه، کمان و تیردان پیش روی داریوش نه پادشاه دروغین، در غل و زنجیر در پیشگاه او به صف کشیده اند و داستان عصیان و شورش آنها در کتیبه های کناری نقش برجسته حک شده اند. کتیبه بیستون نیز همانند بسیاری از کتیبه های هخامنشی به سه زبان پارسی باستان، بابلی و عیلامی نگاشته شده است.

عمده دلیل نگارش کتیبه ها به سه زبان فوق سیاسی است. چرا که شاهان هخامنشی بر آن بودند که خود را جانشینان بر حق بابلی ها و عیلامیان معرفی کنند. متن بابلی کتیبه در دو ستون بر روی دو سطح سنگی کناری نقش برجسته در سمت چپ آن حک شده است. متن پارسی باستان کتیبه در پنج ستون و در پایین نقش برجسته حک شده است و ادامه آن تا سمت راست نقش برجسته کشیده شده است. به نظر می آید که متن عیلامی کتیبه دارای سرگذشت عجیبی است. این بخش از کتیبه نخست در چهار ستون در سمت

راست نقش برجسته حک شد. اما به هنگام تهاجم آخرین پادشاه شورشی، بخش هایی از آن از بین رفت و مدت ها بعد از آن، همان متن در سه ستون در سمت چپ متن پارسی باستان کتیبه حک شد. کتیبه دوم عیلامی، کاملترین متن از مجموع کتیبه ها را دارد که در ۷۶ بند نوشته شده است. در حالی که متن بابلی و پارسی باستان در ۶۹ بند بر روی دیواره سنگی حک شده اند. در نقاط مختلف نقش برجسته کتیبه های کوتاهی در سه زبان نوشته شده اند که روایتگر افسانه هایی هستند که براساس آنها می توان شاهان عصیانگر و شورشی سرزمین هخامنشی را به هنگام جلوس داریوش بر تخت پادشاهی شناسایی کرد. برخی دیگر از کتیبه های کوتاه بر روی نقش برجسته ها، تکرار ۴ بند اول کتیبه ای است که به زبان عیلامی در قسمت بالای نقش داریوش نوشته شده است. همچنین در بالای نقش برجسته در سمت چپ آن ترجمه بند هفتم کتیبه دوم عیلامی و در قسمت راست آن مجدداً ۴ بند اول کتیبه پارسی باستان حک شده است. مشاهده می کنیم که پراکندگی کتیبه های ثانویه نشان دهنده نوعی بی نظمی است که هنرمندان به وقت خلق این اثر باشکوه با آن روبرو بوده اند. تحصیل گذرا از مجموع نقش برجسته همان احساس را در انسان بوجود می آورد. به نظر می رسد که طرح اولیه نقش برجسته، به دفعات به هنگام حاکمی بر روی سنگ تغییر یافته است و اینک

باستان شناسان در تلاش هستند تا مراحل اصلی خلق این بنا و اثر شکوهمند را بازسازی کنند. این احتمال وجود دارد که در طرح اولیه صرفاً ایجاد نقش گوماتا و هشت پادشاه عصیانگر مغلوب مد نظر خالقان اثر بوده است و کتیبه های اولیه نیز دو کتیبه کوتاه عیلامی و پارسی باستان هستند که هر یک در ۴ بند و در قسمت بالای نقش داریوش حک شده اند.

اندیشه حک کردن متنی طولانی تر بعدها به ذهن پادشاه خطور کرده است. به همین دلیل محل نگارش ۶۹ بند کتیبه پارسی باستان در پایین نقش برجسته و متن نخستین کتیبه عیلامی در سمت راست آن به درستی انتخاب شده است. لیکن متن بابلی کتیبه در سمت چپ نقش برجسته در محل مناسبی حک نشده است و این حس را در بیننده برمی انگیزد که بعدها این متن به آن اضافه شده است. ایراد دیگری که از نقطه نظر فنی می توان بر تناسب کتیبه ها و نقش برجسته ها وارد ساخت، محل آفرینش نقش نهمین پادشاه مغلوب یعنی پادشاه سکاها با کلاه نوک تیزش است که از کادر کلی پیش بینی شده برای نقش برجسته بیرون زده است. به همین دلیل و با توجه به محل نقش اهورامزدا متوجه می شویم که تقارن کلی اثر به هم خورده است به گونه ای که با احتساب نقش پادشاه سکاها، نقش اهورامزدا در میانه نقش برجسته قرار نمی گیرد. به نظر می رسد که برای افزودن نقش پادشاه سکاها، هنرمندان

مجبور شده اند که بخشی از کتیبه عیلامی را از بین ببرند. از این رو کتیبه عیلامی و متن کامل آن در سمت چپ کتیبه پارسی باستان بازآفرینی شده است. همچنین برای تکمیل کتیبه متن پارسی باستان، بند دیگری (بند ۷۰) به آن اضافه شده است. از سوی دیگر به دلیل تاخر زمانی وقوع شورش سکاها نسبت به سایر رویدادهای حکایت شده در ۶۹ بند نخست کتیبه پارسی باستان، شرح ماقع شورش پادشاه سکاها در ستون دیگری شامل بندهای ۷۱ الی ۷۶ در سمت راست متن اولیه کتیبه پارسی باستان حک شده است و ستون پنجم. به همین دلیل هنگامی که نظری کلی به محل کتیبه پارسی باستان می اندازیم، متوجه می شویم که متن آن اندکی از سمت راست در پایین نقش برجسته بیرون زده است. نبود جای کافی بر روی صخره، باعث شده است که روایت تکمیلی کتیبه بیستون در متن بابلی و عیلامی نخستین اضافه نگردد. به واقع اطلاعات کافی از زمان آفرینش شرح حال شخصیت های نقش برجسته در دست نمی باشد. لیکن یقین داریم که در طرح اولیه بیستون، محلی برای حک تمامی متون به زبان های سه گانه پیش بینی نشده بود.